

# نوجوانان

ضمیمه نوجوان روزنامه جام جم  
پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



## دختران و روایت‌های نگفته جامعه

دخترانگی کجای پازل اجتماع قرار می‌گیرد؟





مریم شاهپسندی

نوجوانه

باید بنویسم. هجوم کلمات به مغزم آن قدر زیاد است که بعد از مدت ها، دلم فقط و فقط نوشتن می خواهد. اما چه باید بنویسم؟ حال که نشستام گوشه ای از شهرهای جنوبی ایران، چه باید بنویسم؟ هزارویک حرف توی سرم می آید اما دلم می خواهد از جنوب بگویم. چون گفتن از اینجا مزه دیگری دارد. سال پیش که رفته بودم خوزستان، احساس می کردم بارها در آن کوچه پس کوچه ها راه رفته ام. وقتی که محلی ها مهمان نوازی می کردند و انواع غذاها را جلوی ما می چیدند هم همین احساس را داشتم. حالا هم! دیشب که راه می رفتم در بوشهر، همه چیز برای من هم غریبه بود و هم آشنا. آدم های جنوبی دقیقا مانند تصویری هستند که رسانه از آنها بازتاب می دهد. یعنی دلت می خواهد حرف بزندی و توبه آهنگ کلمات شان گوش بدهی، حتی وقتی که چیزهای خوبی نمی گویند. این شاید کمی اغراق آمیز باشد.

اما از من بپذیرید. آدم هایی که هوای گرم برای شان مطلوب است، آب آشامیدنی را از ایستگاه آب می گیرند، همین هایی که دریا برای شان هویت دارد و شب ها کنار ساحل جمع می شوند تا فلافل بخورند یا والبال بازی کنند. اینها چیزی را در قلب من روشن می کنند که قبل تر در هیچ شهری احساس نکرده بودم.

من، جنوب را چه آن وقت که خوزستان بودم و چه حالا که کنار خلیج فارس نشسته ام، جور دیگری دوست دارم. دلم می خواهد کمی خیال پرداز باشم. لابد من زنی بوده ام عاشق، در روستاهای جنوبی. که دردهایم را در گوش سنگ های ساحل می گفتم تا دریا بار غصه هایم را جابدهد در لنجی مسافر.

شاید پسر بچه ای بوده ام جنگ زده و چشم به راه پدر. خدا را چه دیده ای؟! شاید نامه عاشقانه دختری بوده ام؛ تکه و پاره در میان دست های پدری متعصب!

شاید هم عینک ربین جوانکی که دل می برد از دخترهای بندر. اما حالا گمان می کنم زنی هستم میانسال، چادر بندری ام را پوشیده نبوشیده راه افتاده ام سمت اسکله بندرعباس. باید بچه ام را پیدا کنم؛ یا خودش را یا تکه ای از گردن بند سوخته اش را...

## نقش دختران در حفظ تمدن



ساجده وطن خواه

کرمان

«زنان بی صدا، سازندگان ابدی تاریخ»

همیشه گفته اند تاریخ را مردان ساخته اند؛ آنان که بر اسب نشستند، شمشیر کشیدند، بر تخت ها تکیه زدند و بر سکه ها نقش بستند. اما در پشت پرده های پرچین تاریخ، در جایی که کتاب ها کمتر سر زده اند، زنانی بودند که بی هیاو، بی ادعا، نبض حیات را در مشت گرفته بودند. زنانی که در حوض های خون، لباس های پاره فرزندان شهیدشان را شستند و بی آن که بغضشان بشکند، لبخند دوختند بر زخم زمانه. کجای تاریخ روایت کرده اند از زنانی که در حوض خون مریض

شدند، اما باز قامت راست کردند و زندگی را به دوش کشیدند؟

زنانی که در دل آتش و ویرانی، گهواره ها را تاب دادند و فردا را به دنیا آوردند. دخترانی که قلم به دست گرفتند، نه برای قصه های بی درد، بلکه برای نوشتن معادلاتی که راز جهان را فاش می کرد.

مریم میرزاخانی، دختری از همین

خاک، با ذهن بیدارش، بلندترین قله های علم را فتح کرد و نام ایران را در نقشه دانش جهان نشاند.

و در میان ایل ها و

بیابان های وطن،

در دل روزهای

داغ و شب های



سرد، زنی به نام بی بی مریم قشقایی با قامتی استوار و چادری ساده، در کنار مردان جنگید و فرمان داد که تاریخ حتی در برابر سکوتش زانو زد. بی بی مریم نام ایران را در قلب توفان ها، بر بلندای غیرت نگاه داشت.

تاریخ شاید تصویر مردان را حک کرده باشد، اما اگر گوش بسپارید، در ژرفای هر ورقش، صدای زنانی را می شنوی که بی صدا، بی نام، اما ابدی، جهان را ساخته اند. من، نویسنده ای که در دل این تاریخ نانوشته، در پی آنها می دوم؛ آنهایی که در حوض خون، در خاک، در رنج و در ستاره ها، همچنان زنده اند.

## مادر عروسک ها



زهرا اسعیدی

اصفهان

اگر دختر نبودم، شاید دیگر نمی توانستم بگویم که احساساتم را در یک صفحه نوشته ام! شاید نمی توانستم آسمان و زمین را به این اندازه که حالا «الهام بخش» هست، ببینم. آن موقع شاید آسمان صرفا آسمان بود. جایی که پرنده پرواز می کند و هواپیما رفت و آمد. اما حالا دخترم و اکثر اوقات آسمان نه محل پرواز پرنده است و نه جای رفت و آمد هواپیما! خانه من است. من اکثر اوقات با خیالم توی آسمان زندگی می کنم. اگر دختر نبودم، هیچ وقت نمی فهمیدم که لطافت، آرزو و احساسات؛ چه قدرتی دارند و

یک نگاه و لبخند ساده مقدمه همه تغییرهاست! اگر دختر نبودم، شاید فقط مربع و مثلث را شکل هندسی زندگی ام می دانستم. خط های منظم و دنبال هم سوار شده ای که روزم را شب می کند و شبم را روز! اما حالا می دانم که خط هایی که افکار نامنظمم را به هم وصل می کنند، گرچه

شکل هندسی منظمی

نمی سازند اما، در عوض

زندگی ام را روی همین قاعده

دوست داشتنی بنا می کنند.

من اگر دختر نبودم، جان

بخشیدن به یک خیال، یک شیء و

آرزو را هیچ وقت درک نمی کردم. اما،

حالا روزهایی هست که با خیالم با

هم قدم می زنیم، با آرزوهایم

زندگی می کنیم و شب ها



روزهایی را به خاطر می آورم که، عروسکم دخترم بود و به مدرسه می رفت. من هم با خمیر بازی برایش غذا می پختم و مادرانگی خرج می کردم! دختر نبودم، می فهمیدم که مادر بودن، یعنی چه؟ من از دختر بودن به این «من» رسیدم که می تواند شجاعت و لطافت را دو روی یک

سکه ببیند.

از احساسات نمی ترسد، با عشق رویا پردازی می کند و آرزویش را روی کاغذ می نویسد.

و به دنیا لبخند می زند هر چند دنیا او را آن طور که واقعا هست، نخواهد!

اما یک سؤال مهم:

واقعا اگر دختر نبودم، چه

کسی برای عروسک هایم

مادری می کرد؟

## دختران از پس هر کاری برمی آیند



مریم نغیان

اصفهان

من یک دخترم، همان کسی که اکنون در سال ۱۴۰۴ با حضور هوش مصنوعی، تکنولوژی های رنگارنگ و قدم های بلند دنیای بدون محدودیت به سمت آینده اجازه شرکت در همه رشته های تحصیلی و فعالیت در همه مشاغل را ندارد. چشمانم انتظار روزی را می کشد که دختر ایران زمین در یک دانشگاه دولتی رشته خلبانی بخواند. آیا روزی می رسد که در دانشگاه های ایران تعداد دانشجویان دختری را که می پذیرند با تعداد پسران برابر باشد؟ یا اصلا یکبار هم جبران گذشته شود و تعداد سهمیه ای که از دانشگاه ها برای پذیرش دانشجویان دختر قرار گرفته بیشتر باشد؟ نکته جالب این که این ماجرا زمانی اتفاق می افتد که اگر سری به

دانشگاه ها بزنید مشاهده خواهید

کرد تعداد دختران بیشتر از

پسران است. حتی زمان

انتخاب واحد هم زمانی

که دروس عمومی را انتخاب

می کنی متوجه می شوی

تعداد ظرفیت باقی مانده برای بانوان صفر است در حالی که حدود ۴۰ نفر ظرفیت برای پسران باقی مانده است. از مسأله مهم تحصیل و شغل دختران که بگذریم زمانی که به اتفاقات جامعه نگاه کنیم بازهم تفاوت زیادی بین دختران و پسران می بینیم. به عنوان مثال اگر پسری پس از ساعت ۱۰ شب در خیابان یا هر جای دیگری دیده شود می گویند: او یک پسر است اما اگر یک دختر در این بازه زمانی در هر مکانی دیده شود می گویند: این دیگر چه دختری است؟ یعنی خانواده اش به او چیزی نمی گویند؟ اگر پسری بدون خانواده به تنهایی با جمع دوستانش به سفر برود، اتفاقی طبیعی رخ داده اما اگر یک دختر این کار را انجام دهد ماجرا فرق می کند. اگر دختری در یک اتفاق موفق شود می گویند: او مرد است. مثل یک مرد قدرتمند و حرفه ای توانسته چنین کار بزرگی را انجام دهد. از طرفی هم برایشان تعجب برانگیز است که یک دختر یا زن توانسته کاری انجام دهد. از اتفاقات و نوع نگاه بسیار متفاوت جامعه به یک اتفاق که دو جنس متفاوت آن را رقم زدند که بگذریم می خواهیم به دختران سرزمین خدایات بگویم.

دخترانی که در برخی صحنه ها مردانه تر از هر مردی حضور داشتند و افتخارات بزرگی را برای جامعه خود رقم زدند.



## چشمک چشمانش



فرهود عباسی فرد

تهران

دختر بودن یعنی به هر زبان و گفتاری، معنای زندگی باشی؛ آنچنان که در طول تاریخ همیشه ملتهب جهان، زن، نماد زندگی و آرامش بوده است؛ همان عنصری که با به دنیا آوردن زیبایی ها، بر مرگ ها التیامی می بخشد و بر هر تند خویی و بی رحمی بشر، دوا می دهد و روح آرامش می گذارد. زندگی، هر چقدر که زیبا و شکوهمند است همان قدر هم سخت، محدود و گذرا به نظر می آید و زنان و دختران هم از این توصیفات هیچ گاه جدا

نبودند؛ همان طور که دختر بودن در تصورات عام، نشانی از ضعیف بودن است و زن بودن، دلیلی بر ناتوانی در انجام بسیاری از ممکن ها؛ ممکن هایی که توسط مردانی انجام شده است که خود، بزرگ

شده و عزیز یافته توسط زنان قهرمانی به نام مادر هستند. زن بودن دشوار است؛ دست و پا زدن در دریای احساسات و عواطفی که به درنگی می توانند شکننده باشند کاریست ناممکن؛ اما هر ممکن و ناممکنی در مقام زن از معنایش خارج می شود زیرا آن کسی که زندگی را از وجودش به جهان می بخشد و صدایش همیشه، نغمه ای از آزادی و صلح نوع بشر است؛ در بند و افسار کلمات قرار نمی گیرد. از آن زمان که واژه ای خلق نشده بود و گفتاری به زبان نیامده بود؛ آغوش زن، پناهگاه انسان بوده و حضور دختر، دلیل شوق آدم؛ مانند اولین نگاه حضرت آدم به حوا، به کسی که تمام زیبایی های جهان را در خود جا داده است؛ مانند نگاه فرزندان به مادری که خنده اش، امید بی حدی به زندگی قلمداد می شود؛ مانند نگاه همه ما، همه مایی که زنی را در این جهان داریم که اگر پلک بزند با چشمک چشمانش، حواس مان از کل جهان، پرت می شود...





گپ و گفت با مربی و اعضای گروه سرود دخترانه شمیم یاس

# نوا ایامید در شمیم یاس



دردل هیاهوی زندگی شهری  
گروه های سرود دخترانه  
چون شمیم  
یاس، نوایی از  
امید، همدلی و

امیرحسین علی نیافر

نوجوانه



شکوفایی را به گوش می‌رسانند. این گروه‌ها فراتر از یک فعالیت هنری ساده، بستری برای رشد شخصیت، کشف استعدادها و تقویت حس خواهرانگی میان دختران نوجوان شده‌اند؛ دخترانی که با شادابی، پشتکار و عشق به صحنه می‌آیند تا قصه دوستی و همبستگی را در قالب ترانه‌ها بازگو کنند. از شور اجرای روز دختر تا آرزوی خواندن در حضور رهبر انقلاب، هر لحظه از زندگی این گروه، سرشار از خاطره‌های ماندگار و درس‌های بزرگ برای آینده است.

در سال‌های اخیر، گروه‌های سرود دخترانه به عنوان بستری مؤثر برای توانمندسازی و شکوفایی استعدادها مورد توجه قرار گرفته‌اند. این گروه‌ها نه تنها فرصت ابراز خلاقیت را برای دختران فراهم می‌کنند بلکه بستری برای تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس نیز هستند.

از منظر فرهنگی، سرودهای اجرا شده توسط این گروه‌ها اغلب حامل پیام‌های امید، اتحاد و ارزش‌های انسانی هستند و می‌توانند تأثیر بسزایی در جامعه داشته باشند. حضور دختران در این عرصه، کلیشه‌های جنسیتی را به چالش کشیده و نقش مهمی در افزایش مشارکت اجتماعی زنان ایفا می‌کند.

برگزاری اجراهای عمومی این گروه‌ها علاوه بر ارتقای روحیه جمعی، فرصتی برای آموزش مهارت‌های ارتباطی، انضباط گروهی و همکاری را در اختیار اعضا قرار می‌دهد. در نهایت، گروه‌های سرود دخترانه نه تنها یک فعالیت هنری بلکه عاملی برای تقویت هویت فردی و اجتماعی محسوب می‌شوند که آثار مثبت آنها فراتر از صحنه‌های اجرا، در زندگی روزمره افراد احساس می‌شود. سارینا یافتیان یکی از دختران گروه سرود شمیم یاس است که در اوج نوجوانی قدم به این عرصه گذاشته. او که تقریباً از ۱۲ سالگی به این گروه پیوسته، می‌گوید از اول علاقه‌مند به حضور در تیم‌های گروه سرود بوده: «ما اجراهای زیادی در شهر تهران داشته‌ایم اما چند اجرا خیلی دوست داشتم که می‌توانم به سرودهایی درباره شهید تهرانی مقدم، حاج قاسم و روز مادر و روز دختر اشاره کنم.»

وقتی صحبت از روز دختر و هفته کرامت می‌شود، سارینا ۱۳ ساله از چشمانش ذوق پدیدار می‌شود و می‌گوید: این روز و این ایام را خیلی دوست دارد. او در ادامه صحبت‌هایش اشاره می‌کند که کاش به روز دختر و ایام این چنینی بیشتر اهمیت داده شود و دختران در هر عرصه‌ای جدی گرفته شوند. در ادامه این گفت‌وگو از سارینا می‌پرسیم چه چیزی خوشحالش می‌کند، که با ذوق می‌گوید: دوست دارم همراه اعضای گروه برای رهبر معظم انقلاب اجرایی داشته باشیم و این مسأله آرزوی همه ماست.

ما خواهیم!

دوستی و حس خواهرانگی در گروه‌های سرود دخترانه چیزی فراتر از یک همخوانی ساده است. این ارتباطات

جمعی را افزایش دهد. بدون تعامل صحیح، اشتیاق و هماهنگی اعضای گروه کاهش یافته و تأثیر هنری اجراها کم‌رنگ می‌شود. تقویت این رابطه نه تنها برای رشد هنری بلکه برای تربیت اجتماعی و خودباوری دختران یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. برای مثال سرپرست گروه در این رابطه می‌گوید: درباره این موضوع دخترها باید صحبت کنند چرا که سن آیلار و ترنم با مهر و و سحر و سارینا بسیار متفاوت است. چون ما از ۶ سال تا ۱۵ و حتی ۱۸ سال در گروه‌مان عضو داریم و تمام اینها متفاوت است. از لحاظ سختی و چالش‌ها می‌توانم بگویم سختی زیادی نیست چرا که با بزرگ شدن بچه‌ها، آنها کنار ما نقش کمک مربی را ایفا می‌کنند و کار ما کمی راحت‌تر می‌شود. برای مثال در حال حاضر با چند نفر از دختران در حال آموزش کلاس‌های کمک مربی هستیم. در ادامه می‌توانم به یکی از چالش‌ها اشاره کنم که واقعا جمع کردن بچه‌ها برای اجرای یک قطعه و هماهنگی بین آنها واقعا سخت است. از این رو سعی می‌کنیم در رابطه با هر موضوع سرود، یک اردوی فرهنگی تربیتی تشکیل بدهیم تا بچه‌ها با موضوعات آشنا شوند.

## خاطرات دخترانه

یکی از مهم‌ترین مواردی که در گروه‌های سرود رخ می‌دهد، خاطرات ویژه دختران است. سحر از اعضای گروه شمیم یاس یکی از خاطرات خود را این چنین تعریف می‌کند: در روز اجرای روز مادر، مادرها آنقدر احساساتی شده بودند که همه اشک می‌ریختند و سعی کردیم در حین اجرا گریه نکنیم. آن اجرا برای من همیشه ویژه است. خاطره دیگر ما این بود که یکی از بچه‌ها قبل از اجرا در حین بازی، مداد داخل چشمانش رفته بود اما با این وجود با چشمان بسته اجرا کرد و همه چیز به بهترین شکل ممکن جلورفت.

صداها پر نشاط نه تنها در اجراها بلکه در روحیه اعضا طنین‌انداز می‌شود.

سرپرست و مدیر گروه سرود دخترانه شمیم یاس (خانم طاهری) در ادامه گفت‌وگو می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین عوامل جاودانگی این گروه و ادامه‌دار بودن فعالیت‌های گروه سرود دخترانه شمیم یاس، وجود نشاط و شادابی بین اعضای گروه است.»

در ادامه صحبت‌ها به این موضوع می‌رسیم که حمایت خانواده‌ها از بچه‌هایی که از روزم موفقیت گروه شمیم یاس بوده و با نشاط و شادابی که توانستیم بین بچه‌ها ایجاد کنیم، بچه‌ها بدون خستگی و ناامیدی روی صحنه‌های اجرایی می‌روند که شاید برای آنها سنگین باشد ولی اصلا خسته نمی‌شوند.

در ادامه گفت‌وگو از سرپرست گروه می‌پرسیم خودش در دوران نوجوانی چقدر اهل کارهای هنری بوده، که می‌گوید: «در دوران نوجوانی و پیش از ورود به دانشگاه خیلی اهل کارهای هنری و فرهنگی بودم اما بعد از ورود به دانشگاه، با این کارها فاصله چشمگیری گرفتم اما واقعا نمی‌دانم از کجا و چطور این اتفاق رخ داد که مجدداً وارد این کارها شدم و باید در اینجا اعلام کنم وقتی در این فضا حضور دارم، بسیار آدم خوشحال‌تری هستم و احساس می‌کنم چند برابر بیشتر می‌توانم زندگی کنم.»

## مربی و دخترها

ارتباط مؤثر بین مربی گروه سرود دخترانه و اعضای گروه، عامل کلیدی در شکل‌گیری تجربه‌ای موفق و انگیزشی است. مربی نه تنها نقش راهنما و آموزش‌دهنده را ایفا می‌کند بلکه با ایجاد فضایی امن و الهام‌بخش، اعتماد و انگیزه اعضای گروه را تقویت می‌کند. این ارتباط می‌تواند استعدادهای فردی را شکوفا کرده، همکاری گروهی را بهبود بخشد و روحیه

مستحکم می‌کند. هر اجرا فرصتی برای حمایت متقابل، رشد فردی و خلق خاطرات ماندگار است. اعضای گروه نه تنها مهارت‌های موسیقایی خود را بهبود می‌بخشند بلکه احساس تعلق و ارزشمندی را تجربه می‌کنند. این فضای حمایتی باعث افزایش اعتماد به نفس و انگیزه دختران شده و آنها را در مسیر موفقیت همراهی می‌کند. گروه‌های سرود، علاوه بر هنری بودن، بستری برای شکل‌گیری ارتباطات پایدار و ارزشمند میان اعضا هستند که تأثیرات مثبت آنها، فراتر از دوران فعالیت گروه ادامه می‌یابد.

سارینا می‌گوید: ما همیشه در کنار هم هستیم. این حس خواهرانگی بین همه مادر جریان است و همیشه سعی می‌کنیم در تمامی مراحل کار در کنار هم باشیم. حتی به یاد دارم در بعضی اجراها روسری یکدیگر را صاف می‌کنیم و این حس خواهرانگی به ما در رشد و پیشرفت کمک کرده. آیلار عبداللهی از دیگر اعضای گروه که ۱۲ ساله است هم می‌گوید: «خانم طاهری سرپرست و مدیر گروه سرود ما چیزی برای ما کم نمی‌گذارد و حسابی برای ما زحمت می‌کشد.»

## دختران پر نشاط

نشاط و شادابی در گروه‌های سرود دخترانه نقشی کلیدی در موفقیت آنها دارد. انرژی مثبت اعضا نه تنها کیفیت اجراها را افزایش می‌دهد بلکه فضای گروه را به محیطی انگیزه‌بخش و حمایتی تبدیل می‌کند. ارتباطات دوستانه، همکاری سازنده و تعامل پرشور، از ویژگی‌های اصلی این گروه‌هاست که باعث رشد فردی و اجتماعی اعضا می‌شود. حس تعلق، تقویت اعتماد به نفس و کشف استعدادها از دیگر مزایای این گونه فعالیت‌هاست. گروه‌های سرود دخترانه علاوه بر ارائه هنر، بستری برای شکوفایی، همدلی و دوستی پایدار فراهم می‌کنند؛ جایی که

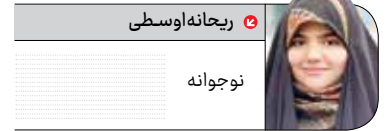


# رختران و روایت‌های نگفته جامعه

## دخترانگی کجای پازل اجتماع قرار می‌گیرد؟

آدم‌ها خیلی کارها را برای پسری همسن یا حتی کوچکتر از خودم، مناسب می‌دیدند اما من که می‌خواستم انجام بدهم با برچسب (تودختری!) مواجه می‌شدم. با زمان‌هایی که با وجود تمام ادعاهای مدرن‌مان در باب فمینیست و برابری، باز هم نگاه جنسیتی را روی خودم و هم‌جنس من حس می‌کردم. این‌که یک سری شغل‌های خاص با درآمد کمتر در جامعه نصیب دخترها می‌شد. این‌که دخترها در مسیر رسیدن به رویاهایشان باید سنگینی حرف‌ها و نگاه‌ها و طعنه‌ها را هم به دوش می‌کشیدند. نگاه‌های سنگین جنسی که سنگ و مانعی جلویمان بود تا هر جایی نرویم و هر حرفی نزنیم، چون ما دختریم! حالا امروز به مناسبت روزمان، سراغ این دخترانگی‌ها و مواجهه اجتماع با آن رفتیم تا شاید اندکی از حرف‌های از دل برآمده را با هم مرور کنیم.

اولش وقتی قرار شد برای دختر و نسبت او با جامعه بنویسم به مقادیر زیادی به خودم و نسبت خودم با جامعه فکر کردم. به این‌که من دقیقا کجای پازل اجتماع قرار می‌گیرم؟ آیا اجتماع جوری هست که خودم را جزوی از او ببینم؟ تا چه حد سیاست‌گذاری‌ها، شهرسازی‌ها و... به نحوی است که خیال کنم پس من هم به عنوان یک دختر نوجوان یا جوان، سهمی از آن دارم؟ بعد فکر کردم که خیلی نقطه‌ها در زندگی من به دلیل جنسیت، احساس نابرابری در من جریان پیدا کرده است. مثلا نقاطی که



ریحانه اوسطی

نوجوانه

### رویای پوچ!

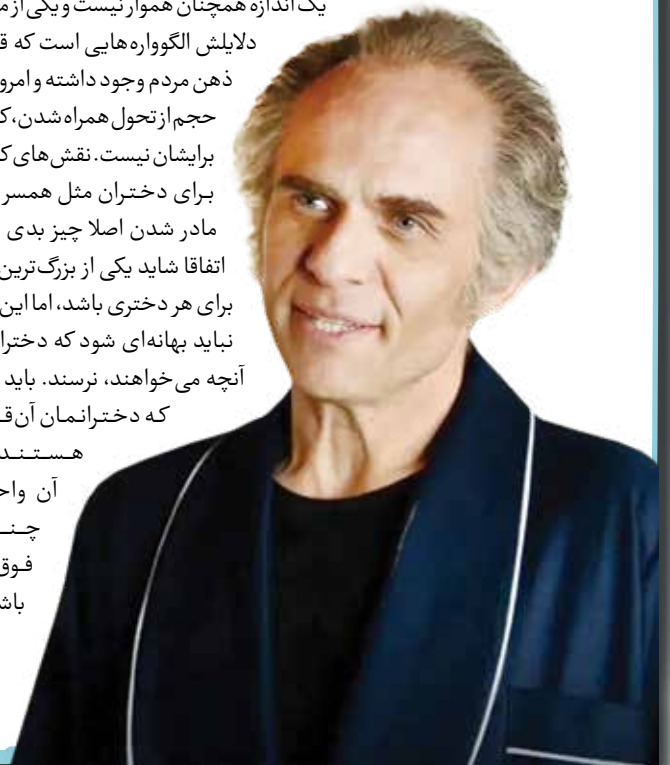


امروزه همه ما زمان زیادی از روز را صرف مجازیات می‌کنیم، هر روزه زندگی دختران زیادی را می‌بینیم، سبک زندگی‌شان را دنبال می‌کنیم، لباس‌ها و کیف و کفش‌هایشان را و اکاوی می‌کنیم، از رنگ مو و آرایشگاهی که می‌روند تا مهمانی‌ها و غذایشان را مشاهده می‌کنیم. پدیده «مقایسه» پدیده غریب و تازه‌ای نیست اما امروز به خاطر وجود این دهکده جهانی و دیدن زندگی‌ها در کف مجازی قطعاً بیشتر شده. همه ما می‌دانیم که هر فردی مسیر خودش را دارد و قطعا صفحه‌های مجازی ویتروینی از زندگی هر فرد هستند. اما باز هم انگار چیزی در ذهنمان زمزمه می‌کند که «چرا تو نه؟!» «چرا تو این زندگی رو نداری؟» «چرا تو این ظاهر رو نداری و اون داره؟» «چطور آن قدر موفق و توهنوز حتی مسیرت رو پیدا نکردی؟» و احساساتی که غالباً اکثرمان بعد از گشت و گذارهای مجازی داریم. از طرفی این زمزمه‌ها فقط در بُعد احساس نمی‌مانند و ممکن است بعد از مدتی ما دست به کارهایی بزنیم که بتوانیم خودمان را شبیه آدم‌هایی که می‌بینیم، کنیم! در واقع هویت و شخصیت و ظاهر و زندگی‌مان را تلاش می‌کنیم تغییر دهیم تا آن چیزی بشود که خیال می‌کنیم زیبا و جذاب است. اما چرا دخترها بعد از تغییر هم حالشان خوش نیست؟! دلیلش پرواضح است، تبدیل به چیزی شدند که در واقع نبودند. ما وقتی حالمان با زندگی خوب است که تبدیل به چیزی شویم که من حقیقی ما می‌خواهد. پس دنباله‌روی با هر بهایی ما را به شادی و آرامش نخواهد رساند.

### میکروباورهای رخنه در فرهنگ

در سریال تاسیان، نقش جمشید نجات دیالوگی داشت که می‌گفت: «این جامعه پوستش مدرن شده ولی بافت و تار و پودش سنته!» دقیقا امروزه هم مادر جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در عین این‌که بافت خانواده‌ها سنتی است، تحت تاثیر رسانه‌ها و آموخته‌های غربی و تحولات قرن بیست و یکی، داریم تلاش می‌کنیم خودمان را مدرن و روشنفکر مآب نشان دهیم. به قول یکی از اساتیدمان یک آتش شوربایی این وسط درست شده که ما نه دقیقا مدرنیم و نه دقیقا سنتی! نگاه جامعه به دخترها درست است که به مقادیر زیادی عوض شده و فرصت‌های اجتماعی برای دختران نوجوان و جوان روز به روز در حال افزایش است. مثلا هیچ کسی صد سال پیش خیال هم نمی‌کرد که روزی دختران ایرانی بتوانند در خیلی از موقعیت‌های شغلی همپای مردان و حتی فراتر از آنها فعالیت کنند. هیچ کسی گمان نمی‌کرد که روزی شمار دختران دانشجو بیشتر از پسران باشد. اما امروزه همه این اتفاقات رخ داده و دختران ایران بیش از همیشه در طول تاریخ در بطن اجتماع حضور دارند. اما خرده باورهایی که سالیان سال در مردم ما رخنه داشته همچنان در لایه‌های زیرین باورهایشان و در نگاه و رفتارشان تاثیرگذار است. مثلا کمتر دختری پیدا می‌شود که در مسیر رسیدن به خواسته‌هایش لااقل یک بار جملات کلیشه‌ای «ای بابا تهش که باید ازدواج کنی» «برای چی آن قدر تلاش می‌کنی؟ آخرش باید بشینی و بچه‌ها تو بزرگ کنی» و... را نشنیده باشد. یعنی مسیر موفقیت‌های شغلی و تحصیلی برای دختران و پسران به یک اندازه همچنان هموار نیست و یکی از مهم‌ترین دلایل الگوواره‌هایی است که قرن‌ها در ذهن مردم وجود داشته و امروزه با این حجم از تحول همراه شدن، کار راحتی برایشان نیست. نقش‌های کلیشه‌ای برای دختران مثل همسر شدن و مادر شدن اصلا چیز بدی نیست و اتفاقا شاید یکی از بزرگ‌ترین لذت‌ها برای هر دختری باشد، اما این نقش‌ها نباید بهانه‌ای شود که دخترانمان به آنچه می‌خواهند، نرسند. باید بپذیریم که دخترانمان آن قدر قوی هستند که در

آن واحد در چند نقش فوق‌العاده باشند.



## دخترانه بودن

### زیستن در میان هزاران انتظار

● حسین حاج محمدی

مدیر گروه دانش اجتماعی مسلمان  
دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران



دختر بودن فقط یک ویژگی جسمانی و طبیعی نیست بلکه علاوه بر آن یک ساحت و وجه اجتماعی هم دارد. دختر بودن یعنی زندگی کردن بین تصاویر و قضاوت‌هایی که از طرف جامعه به ما می‌رسد. حتماً دختران از دوران کودکی جملاتی مثل (دختر باید مهربون باشه) (دختر باید مرتب باشه) (دختر نباید بلند بخنده) و... این تصاویر اموری هستند که از طرف جامعه می‌توانند هویت دختران ما را بسازند اما این انتظارات از کجای می‌آید؟ چرا این همه باید و نباید دور نقش ما به عنوان دختر شکل گرفته؟ آیا ما به عنوان یک دختر می‌توانیم خودمان باشیم در دنیایی که تلاش می‌کند طبق استانداردهای خودش ما را جهت دهد؟ جامعه مجموعه‌ای است از ارزش‌ها، ساختارها و نهادها که رفتار ما را در جهت خاصی هدایت می‌کنند.

این تأثیرگذاری از خردسالی آغاز می‌شود وقتی از یک دختر خردسال انتظار می‌رود ناز و ساکت باشد ولی از پسران انتظار می‌رود بازیگوش تر باشند. یعنی از همان کودکی یک هویت اجتماعی برای هر جنسیتی ساخته می‌شود. ما یاد می‌گیریم چطور لباس بپوشیم، حرف بزنیم و حتی بخندیم. جامعه مثل آینه‌ای است که به ما نشان می‌دهد یک دختر خوب چه شکلی است؟ واکنش‌ها نسبت به این مسائل یکسان نیست.

بعضی از دختران کاملاً با انتظارات جامعه هم‌سو می‌دارند و سعی می‌کنند همان دختر ایده‌آل جامعه باشند. بعضی دیگر از دختران مقاومت پنهان می‌کنند. یعنی در جمع خودشان با دوستان صمیمی‌شان سعی می‌کنند تیپ و خصوصیات را نشان دهند که در جامعه نمی‌توانند نشان دهند. عده‌ای دیگر از دختران سعی می‌کنند با جامعه هم‌سو نباشند و تصویر جدیدی از هویت خودشان می‌سازند.

ممکن است در عین این‌که وقار و متانت و پوشش خود را حفظ می‌کنند، مستقل و جسور و تأثیرگذار هم باشند. گروه دیگری از دختران اعتراض آشکار و تقابل می‌کنند مثلاً با شعر و نقاشی یا در صفحات مجازی‌شان تلاش می‌کنند با کلیشه‌هایی که از سمت جامعه به آنها تحمیل می‌شود و آنها با آن انتظارات مخالف هستند، مقابله کنند.

از دید جامعه‌شناسی می‌توان گفت بهترین واکنش برای دسته‌ای از دختران است که بازتعریف فعال هویت می‌کنند یعنی در مقابل بعضی از کلیشه‌ها می‌ایستند و نشان می‌دهند در عین حفظ ویژگی‌ها، می‌شود توانمندی‌های مان را نشان دهیم و استعدادهای مان را شکوفا کنیم. این به معنای خدشه دار شدن هویت دخترانه نیست بلکه می‌خواهیم هویتی منطبق بر جامعه امروز بسازیم.

کسب آگاهی یکی از روش‌هایی است که با آن می‌توانیم هویت مان را بازتعریف کنیم. باید آگاه شویم که جامعه چه اموری را به ما تحمیل می‌کند و چه اموری می‌تواند برای ما مناسب باشد. یکی دیگر از راه‌ها گفت‌وگوست. گفت‌وگو با خانواده، دوستان و معلمان درباره فشارهایی که تجربه می‌کنیم. به الگوهای موفق باید نگاه کنیم که چه مسیری را برای خودشان در نظر گرفتند. مثلاً دختر موفق که در عین حفاظت از برخی ویژگی‌های دخترانه در حیطه فعالیتش بسیار موفق است.

خودمان را نباید سرزنش نکنیم و به خودمان خیلی سخت نگیریم تا هویت و مسیرمان را پیدا کنیم. دختر بودن یک فرصت و امکان بزرگ است و ما نباید فقط روی محدودیت‌هایش تمرکز کنیم. آدم موفق کسی است که به فرصت‌ها بیشتر توجه کند. مهم نیست جامعه چه انتظاراتی دارد مهم این است که کار درست چیست؟ ما می‌توانیم با آگاهی از فرهنگ اصیل مان و با شهامت، خودمان باشیم و بدرخشیم.

## هر چه کنی، به خود کنی!

در روان‌شناسی کودک، قاعده جایگزینی وجود دارد. مثلاً می‌گویند اگر می‌خواهی یک چاقو را از دست بچه بگیری، یک اسباب‌بازی جایگزین و مطلوب را به او بده. یا اگر کار بدی می‌کنی او را با کار دیگری که درست است، مشغول کن. این روزها اکثر حرف‌هایی که راجع به جامعه دختران نوجوان و جوان می‌شنویم، قضاوت تند و تیز و یکطرفه است. این‌که از تفریحات بد دختران، از مصرف مخدرها توسط آنها، روابط بی بند و بار و... می‌نالند و آنها را تقبیح می‌کنند. هیچ کسی با این اتفاقات هم‌سو نیست اما مسأله‌ای که به آن توجه نمی‌شود این است که ما در جایگزین این رفتارهای پر خطر و نامناسب چه بستری را برای شان فراهم کردیم؟! ما چه تعلیم و تربیت به خصوصی برای شان داشتیم تا آگاهی‌شان بالا برود؟ چرا آگاهی‌شان را باید از سبک زندگی سلبریتی‌های آمریکایی و بلاگرهای انگلیسی بگیرند؟! چرا ما جایگزین خوشایند و جذابی برای شان نداشتیم؟! وقتی در کافه‌ها، پارک‌ها، مراکز خرید و... بیشتر فضاها برای خانواده‌ها یا گروه‌های پسرانه طراحی شده. وقتی حتی شهرسازی و بسترسازی ما برنامه‌ای برای دختران نوجوان و جوان طبق فرهنگ و باورهای مان ندارد، پناه بردن آنها به فضاهای ناسالم امری اجتناب‌ناپذیر است. پس کاش یک بار هم که شده انگشت اتهام را از روی آنها برداریم و فکر کنیم واقعا راه حل بدزبستی بعضی از دختران مان در جامعه چیست؟



## استانداردها در کتاب فیل‌ها هم پرواز می‌کنند!

همان‌طور که از میان تیتیر هم مشخص است بعضی از استانداردهایی که جامعه برای دختران می‌سازد، درست مثل کتاب معروف فیل‌ها هم پرواز می‌کنند، است؛ غیرواقعی، دست‌نیافتنی و رویایی. چند وقت پیش یک قالبی در برنامه ایکس وایرال شده بود با این عنوان که «دختر باید...» هر کسی تویییتی می‌زد و یک جمله به این دو کلمه اضافه می‌کرد. این ترند خیلی رک و واضح از توقعات عجیب و غریب بعضی پسران، مردها، خانواده‌ها، زنان و... از دختران رونمایی می‌کرد. استانداردهایی که فقط منحصر به یک حوزه هم نبود و راجع به تمام رفتارها و ظواهر دختران، باید و نباید می‌ساخت اما اصلاً این باید و نبایدها را چه کسی می‌سازد و آیا واقعی هستند؟ اگر دختری در این چارچوب‌ها ننگد از دور خارج می‌شود و مورد توجه جامعه اطرافش قرار نمی‌گیرد؟



این چارچوب‌ها گاهی فشارهای مضاعفی بر دختران نوجوان وارد می‌کند، فشارهایی از این جنس: «پس من چون دماغم این مدلی نیست، ناکافی‌ام» «چون رنگ پوستم مورد علاقه جامعه نیست، زیبا نیستم.» «چون ورزشی می‌کنم که جامعه برای دخترها نمی‌پسندد، مورد قبول نیستم.» و هزاران برچسب دیگر که هویت دختران مان را خدشه دار می‌کند. یادمان باشد که دختران امروز، مادران فردا و آینده‌سازان این مملکت هستند. آنها را با توصیفات و هم‌آمیز، ناسالم نکنیم. سلامت آنها، سلامت کل جامعه است.



گفت‌وگویی مادر و دختری، با خانم وجیهه سامانی، نویسنده و دخترشان، الهه مصفا

# از مادر بخوان، از دختر بشنو



فاطمه ثمین قدیانی

نوجوانه

یکی از شیرین‌ترین اتفاقات‌ها در خانواده، داشتن یک رابطه رفاقت‌گونه بین مادر و دختر است. این همان چیزی است که دختر را در مواقع لازم به‌درستی و به بهترین شکل ممکن هدایت می‌کند و رفاقت را در حقیقت تمام می‌کند، بدون این‌که به او آسیبی برساند و او را به خطر بیندازد. این جنس رفاقت‌ها به دختران ما آگاهی می‌بخشد و بی‌شک بهترین نوع رفاقت است. حالا ما در آستانه روز دختر و سالروز ولادت حضرت معصومه (س) در این شماره از نوجوانه سراغ مادر و دختری رفتیم که نمونه یکی از همین رفاقت‌های ناب هستند. خانم سامانی مادر و نویسنده‌ای است که مانند یک رفیق و همراه واقعی دختر را هدایت می‌کند. از جمله آثار او می‌توان به «خواب باران» و «آن مرد با باران می‌آید» اشاره کرد. شما را به خواندن این گفت‌وگو با سرکار خانم وجیهه سامانی و دخترشان الهه مصفا دعوت می‌کنم.



گفت‌وگویمان را با الهه خانم شروع می‌کنیم. الهه مصفا، دختر خانم سامانی، نویسنده و از اساتید حوزه داستان نویسی هستند. الهه خانم در کلاس هفتم، یعنی اول راهنمایی تحصیل می‌کند. او یک تیرماهی پرانرژی با قابلیت رهبری و هدایت یک تیم است که خیلی هم به انیمیشن‌سازی علاقه دارد. دوست دارد در آینده مهندس کامپیوتر بشود و در کنار آن به صورت حرفه‌ای انیمیشن‌سازی کند (طوری که بزند در شرکت دیزنی را هم تخته کند!)

**۱** الهه خانم برای مان بگو دختری بودی برای شما چه مفهومی دارد؟

به نظر من هر دختر، قصه‌ای است که خدا با لبخند آن را نوشته است. برای من، دختری بودن یعنی داشتن دلی پر از قصه‌های قشنگ؛ یعنی بلد باشم دنیا را با مهربانی ببینم، با لبخند قوی باشم و با دل کوچکم امید بسازم. خدا دخترها را مثل یک راز قشنگ آفریده است.

**۲** می‌توانید رابطه میان خودتان و مادرتان را در چند سطر توصیف کنید؟

من و مادرم بیشتر از این‌که مادر و دختر باشیم، به نوعی بهترین دوست‌های هم در دنیا هستیم. بعضی وقت‌ها بدون این‌که چیزی بگویم، مادرم می‌فهمد در دل من چه خبر است. بودن کنار او حس قشنگ امنیتی را دارد. وقتی که هست، انگار یک دنیا را پشت سر خودم دارم.

**۳** چه چیزهایی را از مادرت یاد گرفته‌ای که هرگز فراموش نمی‌کنی؟

او همیشه در سخت‌ترین لحظات هم آرامش خودش را حفظ می‌کند و این برای من همیشه یک درس بزرگ بوده که هیچ وقت نباید تسلیم مشکلات شد. دوست دارم مثل او صبر، لبخند و آرامش را برای روزهای سخت در جیب خودم قایم کنم. از مادرم یاد گرفتم که صبر، نه فقط تحمل سختی‌ها، بلکه هنری است که با لبخند و امید در دل شب‌های تاریک می‌درخشد. او به من نشان داد که در بدترین شرایط ممکن هم می‌توان با دلی پر از ایمان و دستانی پر از محبت، همه چیز را زیبا کرد.

**۴** کدام یک از ویژگی‌های مادرتان را دوست دارید و می‌خواهید در آینده آن را داشته باشید؟

بیشتر از همه دوست دارم مثل مادرم در مواقعی که منطقی حرف می‌زند باشم. این طور وقت‌ها انگار باید با احترام بگویم «چشم». نه این‌که صرفاً حرفش را قبول کرده باشم، نه! بلکه حرفش آن قدر درست و قشنگ است که هیچ راهی جز «چشم» گفتن ندارم. این ویژگی را خیلی دوست دارم و دلم می‌خواهد من هم به روزی برسیم که حرف‌هایم این قدر تأثیرگذار باشد.

**۵** به نظرتان نویسنده بودن مادر باعث شده شما هم به این موضوع، کتاب و کتاب خوانی علاقه مند بشوید؟

دوران نوجوانی ما اوایل دهه هفتاد و سال‌های اولیه پس از جنگ بود. دورانی که کشور هنوز به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با محرومیت‌ها و محدودیت‌هایی مواجه بود. جامعه و کشور آن طور که باید پیشرفت نکرده بود و شرایط اقتصادی نیز بعد از جنگ، به نوعی بادشواری‌ها همراه بود اما مانسلی بودیم که یاد گرفته بودیم حتی در دل سختی‌ها و تنگناها برای خودمان فرصت بسازیم. به عبارت دیگر، اجازه نمی‌دادیم سختی‌ها بر ما غلبه کند و در عین حال تلاش می‌کردیم شادی‌ها و خوشی‌ها را بسازیم. مدارس آن زمان، بیشتر دولتی بودند و به هیچ وجه قابل مقایسه با مدارس امروزی از نظر امکانات، فضا و برنامه‌های فوق برنامه و تفریحی نبود اما برای من، دوران دبیرستان و نوجوانی‌ام پر از خاطرات خوش و شیرین است. روزهایی که بعد از کلاس و درس، در مدرسه می‌ماندیم و در کارهای پژوهشی و فوق برنامه شرکت می‌کردیم. روزنامه دیواری درست می‌کردیم، کاردستی‌های علمی درست می‌کردیم. در ایام دهه فجر کلاس‌ها را تزئین می‌کردیم و در کنار هم، فعالیت‌های هنری‌مان مثل گروه سرود و تئاتر را پیش می‌بردیم. آن روزها، واقعاً برای من دوره‌ای شاد و خاطره‌انگیز بود. در کنار این‌ها، من شخصاً ارتباط نزدیکی با «سروش نوجوان» داشتم. این مجله، برای ما نه تنها یک رسانه چاپی، بلکه یک فضای تعاملی بود. ما برایش مطلب ارسال می‌کردیم، نقد می‌نوشتیم و نقد می‌شدیم. گاهی به عنوان هیأت تحریریه، در جلسات سردبیری شرکت می‌کردیم. یک دوره حتی داور کتاب سال «سروش نوجوان» بودم. این ارتباط دوطرفه باعث شده بود که سروش نوجوان برای من بیشتر از یک مجله باشد و به عضوی از خانواده‌ام تبدیل شود.

مادرم با قصه‌هایش من را جادو کرد. از بچگی عادت کرده‌ام که در دنیای کتاب‌ها گم بشوم. کتاب‌ها برای من یک سرزمین جادویی شدند که هر وقت دلم می‌گرفت یا خوشحال بودم، می‌توانستم به دنیای آنها سفر کنم.

«حالا وقت آن رسیده سراغ مادر الهه خانم، یعنی سرکار خانم وجیهه سامانی برویم و با ایشان گفت‌وگو کنیم.»

**۱** خانم سامانی، اولین خاطره‌ای که از روز دختر در زمان نوجوانی به یاد دارید را برای ما تعریف می‌کنید؟

دوران نوجوانی ما به چند دهه قبل برمی‌گردد و آنچه در ذهنم باقی مانده، این است که در آن زمان به طور مشخص روزی به نام «روز دختر» نداشتیم. فقط روزی به نام «روز دانش آموز» داشتیم که ۱۳ آبان بود. بعدها به نظرم این نام‌گذاری میلاد حضرت فاطمه معصومه (س) انجام شد و روز دختر به یکی از مناسبت‌های مهم ملی مذهبی تقویم‌مان تبدیل شد.

اما از دوران نوجوانی، خاطره‌ای دارم که به عنوان یک دختر، فکر کنم تعریفش خالی از لطف نباشد. سال دوم دبیرستانم، یک مسابقه داستان نویسی برگزار شده بود در سطح «استان تهران» که در آن مسابقه، من رتبه اول را کسب کردم و رتبه دوم را نوجوان پسری از یکی دیگر از مدارس. یادم می‌آید در مدرسه خودمان هم از من تقدیر شد و وقتی سر صف دعوت‌م کردند روی سکو، با افتخار اعلام کردند که رتبه اول توسط دختر مدرسه ما کسب شده است. آن لحظه، به عنوان یک دختر نوجوان، خیلی خوشحال شدم و به خودم بالیدم که توانسته‌ام چنین رتبه‌ای کسب کنم.

**۲** نوجوانی شما به عنوان یک دختر چطور گذشت؟

هر هفته بی‌صبرانه منتظر چاپش بودم. بی‌شک در آن روزگار، این مجله تأثیر زیادی روی قلم و اندیشه من به جا گذاشت.

علاوه بر این، در دوره دبیرستان دوره‌های آموزشی مختلف داستان‌نویسی را هم گذراندم. در مجموع، چیزی که از آن ایام در خاطرم باقی مانده، دوره‌ای شاد و روشن و خاطره‌انگیز است که بذر نویسندگی به صورت هدفمند و حرفه‌ای‌تر در وجودم کاشته شد.

**۳** زمانی که فهمیدید مادر یک دختر هستید چه حسی داشتید؟

در این چند دهه که از خدا عمر گرفتیم، اگر بخوایم چند خوشی و شادی حقیقی و از ته دل را نام ببریم که شاید به تعداد انگشت‌های دست هم نرسد، یکی از آنها زمانی بود که متوجه شدم فرزند دوم دخترم است. در آن لحظه از اعماق وجودم خدا را شکر کردم و این لحظه برای من یکی از شادترین و ارزشمندترین لحظات زندگی‌ام بود که طعم شیرینش هنوز زیر زبانی است.

**۴** چه چالش‌هایی را به عنوان مادر یک دختر تجربه کردید؟

به هر حال، چالش‌ها برای بچه‌ها در جامعه امروز بسیار زیاد است، هم برای دختران و هم برای پسران اما واقعیت این است که چالش‌ها، خطرات و آسیب‌ها برای دختران همیشه بیشتر بوده؛ چرا که دختران به طور طبیعی شکننده‌تر و احساسی‌تر هستند و جامعه می‌تواند آسیب بیشتری به آنها بزند. من در عین حال، از لحظه‌ای که متوجه شدم مادر یک فرشته می‌شوم، خیلی خوشحال شدم اما از همان لحظه دغدغه مقدس دیگری هم در وجودم شکل گرفت و آن وظیفه سنگینی بود که روی شانه‌هایم قرار گرفته بود. وظیفه خطیر تربیت صحیح و سلامت شاهدختی که قرار است روزی مادر شود، آن هم در روزگاری که همه چیز دست به دست هم داده تا بچه‌ها را از مسیر درست و مستقیم خود منحرف کند. متأسفانه، نوک این پیکان هم اغلب، متوجه دختران و بانوان سرزمین ما بوده است.

**۵** مهم‌ترین چیزی که به دخترتان یاد می‌دهید چیست؟

نکات زیادی هست که باید به دختران مان یاد بدهیم، به آنها گوش زد کنیم، از تجربیات مان بگوئیم و آگاه‌شان کنیم. این مسائل آن قدر زیاد هستند که نمی‌توان به صورت کلی درباره‌شان صحبت کرد اما اگر بخواهم چیزی را به عنوان گل سرسبد جدا کنم، به نظرم مهم‌ترین درس، انتخاب دوستان خوب و بکرتنگ و هم‌مسیر است. چرا که دوست در دوران نوجوانی بیشترین تأثیر را روی آدم دارد و گاه می‌تواند کل مسیر زندگی و آینده یک فرد را تحت الشعاع قرار دهد.

«یک دوست خوب، آدم را به همه جا می‌رساند و یک دوست بد، آدم را به زمین می‌زند.»

**۶** آیا تا به حال شده برای پرورش دخترتان، از تجربیات یا آموزه‌های خاص نویسندگی استفاده کنید؟

بله! اتفاقاً نتایج خوبی هم از آن گرفته‌ام. اصولاً در آموزش نوجوانان نباید چیزی را مستقیم به آنها گفت یا به صورت شعاری یا امر و نهی صحبت کرد، بلکه باید به صورت غیرمستقیم و در لفافه مفاهیم به آنها منتقل شود. در این راستا، هرچقدر خلاقانه‌تر و به کمک ابزار هنر بتوان پیام را منتقل کرد، اثرگذاری بیشتری دارد. در واقع، نویسنده باید بتواند پیام خود را روی دوش کلمات و در دل داستان به بهترین شکل ممکن منتقل کند.

## جور دیگر باید دید

بیان تفاوت میان زنان و مردان از این جهت قابل احترام است که کاستی‌ها و توانمندی‌ها را به ما نشان می‌دهد و مکمل بودن دو جنس بیشتر از گذشته نمایان می‌شود. چه لزومی دارد مرد از زن بالاتر باشد یا زن شبیه به مردان عمل کند؟! به نظر می‌رسد با نگاه به الگوی خانواده مطلوب و باثبات، هر عضو با درک و پذیرش ویژگی‌های خود، دست به عملی می‌زند که می‌داند به خوبی از پس آن بر می‌آید. عده‌ای اصرار دارند تفاوت‌های بین مردان و زنان را به حساب نقص در یک جنس و برتری جنس دیگر به حساب بیاورند. نتایج بسیاری از تحقیقات اثبات‌کننده تفاوت میان زنان و مردان است و این نه از نگاه ناقص بودن در مقابل کامل بودن بلکه عیناً تناسب و وحدت بین دو جنس است. تفاوت میان زن و مرد همچون تفاوت میان اعضای بدن است. هر کدام از گوش، چشم و ستون فقرات در وضعیت به خصوص خودشان قرار دارند و در نوع کار، برنامه‌ای که به آنها واگذار شده و خلقت‌شان هیچ تبعیضی وجود ندارد. الکسیس کارل، نویسنده کتاب انسان موجودی ناشناخته، در اهمیت توجه به تفاوت‌ها می‌گوید: نباید پرورش روحی دختر و پسر را با یک فرمول انجام داد. چون وضع جسمی و روحی دختر و پسر با یکدیگر تفاوت زیادی دارد، در پرورش و تغذیه آنها نیز باید تفاوت زیادی قائل شد.

# من و تو، آن دو خطیم

## بررسی مردانگی و زنانگی و تفاوت‌هایی که نباید موجب اختلاف شود...

محمدپارسا اشرفی

نوجوانه



این روزها شاید بیشتر از هر زمان دیگری درگیر حواشی و قصه‌های مختلفی در رابطه با تفاوت‌های بین خانم‌ها و آقایان هستیم. متأسفانه عده‌ای در شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام پیدا می‌شوند که غیرکارشناسانه نظر داده و خانم‌ها را در برابر مردان قرار می‌دهند یا برعکس. انگار که این دو جنس باید دشمن یکدیگر باشند! بسیار دیده می‌شود کسانی که دوربینی مقابل خودشان قرار می‌دهند و به تخریب خانم‌ها یا آقایان می‌پردازند. این نوع نگاه و عقاید نه تنها باعث برتری و پیشرفت جوامع نمی‌شود، بلکه اقدامی است در مسیر تنش و چند دستگی. واقعیت چیزی نیست که عده‌ای بدون سواد کافی و با توسل به رنگ و لعاب و کادریهای تجملی در گوش ما می‌خوانند. بهتر است دقیق‌تر، علمی‌تر و با درک روشن با مسأله تفاوت‌های فردی بین خانم‌ها و آقایان مواجه شد. توصیه‌های پوچی مثل دوری از جنس مقابل و ستیز و دعوا با دیگری، جز نفهمیدن برخی تفاوت‌های ریشه‌ای و زیستی نیست! در این رابطه و برای برقراری ارتباط بیشتر با مفهوم اختلاف‌های فردی بین زنان و مردان، علاوه بر جست‌وجو در لایه‌های منابع رشدی، با آقای دکتر محمدباقر حسونوند (عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی) نیز گفت‌وگویی داشتم. با من همراه باشید...

## تفاوت‌های اجتماعی

بیشتری به وقت گذراندن با کودکان و پرورش آنها نسبت به آقایان دارند، احتمالاً به همین دلیل تعداد مربی‌های خانم مهدهای کودک بیشتر است و روابط شاد و همدلانه‌ای در ارتباط یک خانم با کودکان دیده می‌شود. خانم‌ها رفتارهای هیجانی‌تری با کودکان به‌ویژه نوزادان دارند. کافی است به دوره‌های خانوادگی خودتان با حضور یک نوزاد توجه بیشتری کنید! میزان شور و شوق‌شان نسبت به یک نوزاد کاملاً با یک آقا فرق می‌کند. در رابطه با دوستی خانم‌ها و آقایان هم باید بگوییم که طبق تحقیقات زنان در رابطه با دوستان‌شان تا حدودی نسبت به مردان عاطفی‌تر بوده و تماس فیزیکی برای‌شان مهم است. همچنین مردان بیشتر دوستان خود را سرزنش می‌کنند.

در سه سالگی تفاوت‌های بسیار جالبی در چگونگی تعامل بین دختران و پسران مشاهده می‌شود. پسران برای برتری و سرگروهی و موقعیت خودشان ارزش بیشتری قائل هستند. پسران به قدرت‌نمایی علاقه دارند و بیشتر از دختران مشاجره می‌کنند. پسران سعی می‌کنند کنترل امور را در دست بگیرند و بر دیگران برتری پیدا کنند اما دختران به برقراری ارتباط با دیگران و بهبود روابط‌شان تمرکز دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان روابط شخصی و مردان رقابت را گسترش می‌دهند. روان‌شناسی رشد به ما می‌گوید که آقایان پرخاشگرتر از خانم‌ها هستند. جالب است که طی آزمایش‌هایی که انجام شده نتیجه گرفته‌اند که با اختلاف کمی خانم‌ها علاقه

## تفاوت در توانایی ذهنی

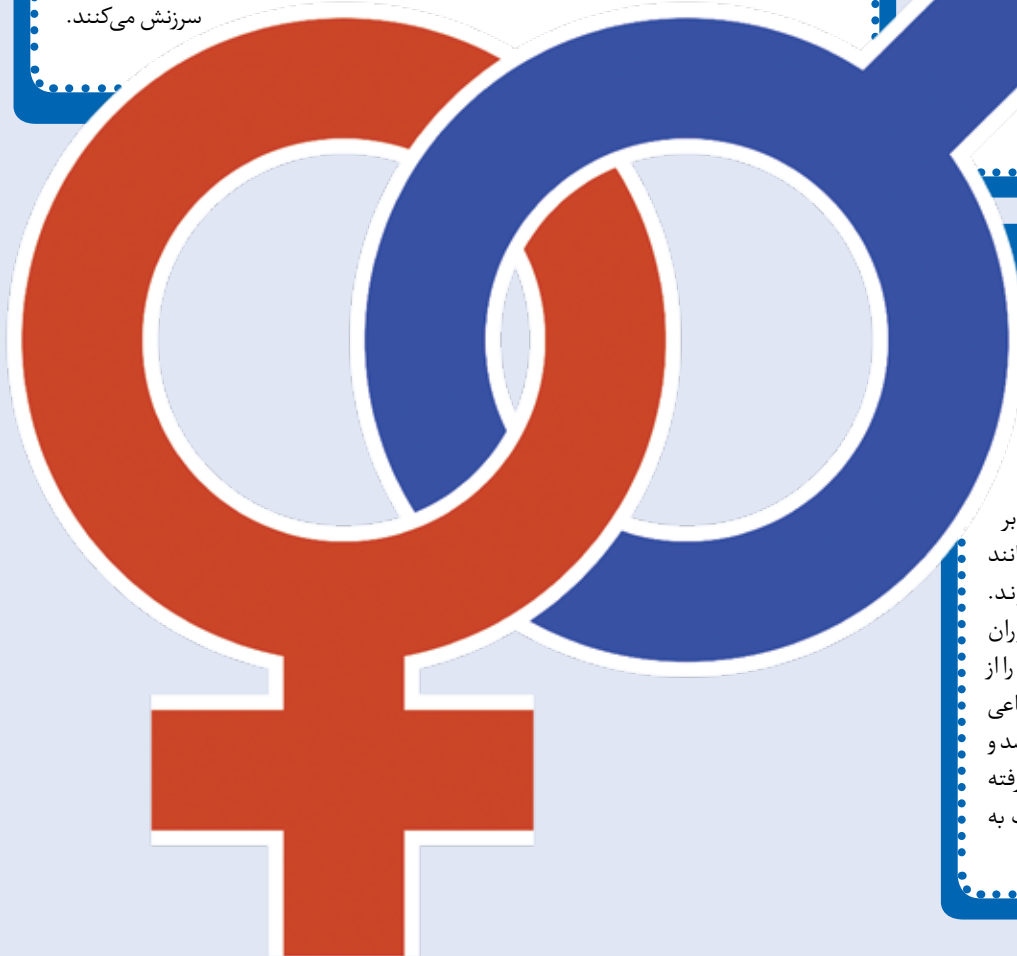
می‌کنند. درحالی که دختران معمولاً روی گردآوری اطلاعات و شبکه اجتماعی تمرکز دارند، پسران بیشتر برنامه‌های کامپیوتری می‌نویسند، صفحات وب ایجاد و داده‌ها را تحلیل و از برنامه‌های گرافیک استفاده می‌کنند. بازی‌های ویدئویی تعدادی از فرآیندهای شناختی مثل سرعت تفکر، جابه‌جایی توجه، ردیابی اشیای متعدد و پیدا کردن راه را، بهتر می‌کنند. روشن است که پسران بیشتر از دختران برای این بازی‌ها وقت می‌گذارند! برای همین در برخی مسائل مربوط به تفکر بهتر عمل می‌کنند.

درصد زیادی از خانم‌ها خوش صحبت هستند و در مقایسه با مردان جمله‌بندی‌ها و ادای کلمات بهتری دارند. در مرحله کودکی، دختران از پسران نسبت به تعداد یادگیری نخستین کلمات، ساختن جمله‌ها و ادای رسا و روشن آنها، حفظ لغات، خواندن و خلاقیت کلامی، نوشتن و رعایت نکات دستوری برتر به نظر می‌رسند. آزمون‌های مربوط به کاربرد زبان و مهارت‌های کلامی این مطلب را تأیید می‌کنند. دختران از برتری زیستی و رشد زودتر نیمکره چپ که معمولاً پردازش زبانی برعهده آن است برخوردار هستند. از طرفی پسران زمانی که مفاهیم ریاضی، انتزاعی و فضایی می‌شود عملکرد بهتری نسبت به دختران دارند. آزمون‌های استدلال منطقی و هندسه این را اثبات کرده‌اند. پسران بیشتر از دختران وقت خود را صرف کامپیوتر

## آنچه باید در آخر گفته شود...

انسان که نوشته فیلیپ رایس است. دیگری را نشر رشد منتشر کرده به نام روان‌شناسی رشد و تحول انسان که یکی از نویسندگان آن دایان پاپالیا است. این کتاب‌ها از منابع خوب دانشگاهی هستند که مخاطبان دغدغه‌مند بنا بر علاقه خودشان به مباحث رشدی می‌توانند سراغ سرفصل‌های این دو کتاب ببرند. کتاب‌هایی که کامل به زندگی ما از دوران نوزادی تا مرگ پرداخته و هر آنچه باید را از رشد جسمانی، شناختی، روانی - اجتماعی برای ما شرح می‌دهند. مطالعه انواع رشد و بررسی دوران مختلف حیات از کودکی گرفته تا سالمندی، ما را بیشتر از قبل نسبت به تفاوت‌ها و اشتراکات مان آگاه می‌کند.

باز هم باید تأکید کنم که تفاوت‌هایی که به آنها اشاره شد به معنای برتری هیچ‌کدام از دو جنس بر دیگری نیست. اقتضای یک جنسیت این است که در برخی حوزه‌ها نسبت به دیگری تفاوت و دگرگونی داشته باشد تا نقش‌های متفاوتی برعهده بگیرد. برای گفتن و نوشتن از مردان و زنان یک صفحه کافی نیست. به نظر می‌رسد برای این‌که تفاوت‌های مان را به خوبی و به صورت کامل بررسی کنیم نیاز است تا سراغ منابع جامع و اصولی در این حوزه برویم. روان‌شناسی رشد از قسمت‌های جالب و شیرین این رشته است. در این بحث دو کتاب بسیار عالی و مفید وجود دارد که یکی را نشر ارجمند منتشر کرده به نام رشد





سید سپهر جمعه زاده

حکیم

## خواهر برادری

دهید در خانواده ممکن است مشکلاتی به وجود بیاید. اعضای خانواده باید برای حل مشکل با هم حرف بزنند، به حرف های هم گوش کنند و برای حل مشکلات با هم برنامه ریزی نمایند. این گونه، حل مشکلات سریع تر و راحت تر انجام می شود. به کودکان این نکته را یاد آور شوید که سرزنش کردن خودشان یا دیگری کمکی به حل مشکل نخواهد کرد.

۱۰. اهمیت کار گروهی: به کودکان بگویند و روی آن تأکید کنید که انجام کارها به صورت گروهی باعث لذت بخش تر شدن انجام آن می شود.

۱۱. استفاده از رویه های مؤدبانه: به کودکان بگویند صحبت کردن مؤدبانه و رفتارهایی که حاکی از احترام تو به طرف مقابل باشد باعث افزایش احترام و محبت آنها خواهد شد. بدین منظور بهتر است به حرف همدیگر گوش کنید. یعنی موقعی که او حرف می زند ساکت بمانی، به حرف هایش فکر کرده و احساساتش را درک کنی و از کلمات مؤدبانه نظیر لطفا، ممنونم، متشکرم و... استفاده کنی.

در کودک می شود. در نتیجه این حس مثبت به خود باعث افزایش اعتماد به نفس در کودک می شود. برای کودک خود توضیح دهید ما می توانیم خوراکی های خود را با هم قسمت کنیم. کسی که خوراکی هایش را بایقیه قسمت می کند دستان بخشنده ای دارد. از این گذشته گاهی اوقات بقیه خوراکی ای دارند که ما آن را دوست داریم. آیا دوست نداری که به تو تعارف کنند؟

۶. پذیرش تعارف: اگر خواهر یا برادرت به تو خوراکی تعارف کرد می توانی آن را برداری و از او به خاطر این لطف تشکر کنی.

۷. پیشنهاد کمک دادن: همه ما گاهی اوقات خسته یا بی حوصله می شویم یا شاید توی دردرس بیفتیم. در این صورت می توانیم به خواهر یا برادرمان پیشنهاد کمک بدهیم و اگر پذیرفت کمکش کنیم. به کودک خود توضیح دهید که کمک کردن به دیگران باعث احساس رضایت و شادی در خود ما نیز می شود.

۸. نادیده گرفتن: به کودکان یاد دهید گاهی اوقات بعضی افراد رفتار نامناسبی دارند. بنابراین بهتر است در این گونه موارد از تکنیک نادیده گرفتن استفاده کنی. یعنی به او نگاه نکنی، هیچ عکس العملی نسبت به کارش انجام ندهی، هیچ برخورد فیزیکی ای با او نداشته باشی و خود را مشغول کارهای دیگر کنی. این گونه بعد از گذشت مدتی فرد مورد نظر از انجام کارش خسته شده و آن را متوقف خواهد کرد.

۹. گروهی کار کردن برای حل مشکل: به کودکان تان توضیح

داده اما راه حل واقعا چیست و چطور می توان به این اختلافات از کودکی پایان داد. برخی از راه حل های جناب حکیم را شرح می دهیم شاید ممد حیات شد و مفرح ذات!

۱. به اشتراک گذاشتن: به کودکان و نوجوانان خود توضیح دهید همان طور که گاهی اوقات تو دلت می خواهد با اسباب بازی بقیه بازی کنی بقیه هم دوست دارند با وسایل تو بازی کنند. شما می توانید از وسایل همدیگر شریکی استفاده کنید اما قبل از آن باید از هم اجازه بگیرید و در این مورد با یکدیگر صحبت کنید.

۲. درخواست مؤدبانه برای استفاده از وسایل خواهر و برادر: گاهی دیده می شود خواهر یا برادر از وسایل یکدیگر در غیر مورد مصرفش استفاده می کند. مثلاً از لاک خواهر برای رنگ کردن تخم مرغ یا از کمر بند برادر به عنوان واشر استفاده کند! بهتر است اگر چیزی را می خواهد خواسته اش را مؤدبانه عنوان کند. برای مثال استفاده از کلمه «لطفاً» یا «خواهش می کنم» قبل از بیان درخواست امکان قبول کردن آن را بالا می برد.

۳. انتظار برای رسیدن نوبت: به کودکان تان توضیح دهید گاهی اوقات در یک زمان همه با هم نمی توانند از یک وسیله استفاده کنند. بنابراین باید منتظر بمانند نوبت شان شود. در این زمان می توانیم خودمان را با کارهای مختلف نظیر نقاشی کردن، کتاب خواندن، خیال پردازی و... مشغول کنیم. حتماً به کودکان بگویند با گریه کردن و بیقراری نمی تواند به خواسته اش برسد.

۴. پذیرش «نه» از خواهر یا برادر: برای کودکان تان توضیح دهید گاهی اوقات افراد چیزی هایی دارند که فقط مخصوص خود آنهاست یا زمان هایی هست که می خواهند تنها باشند. شاید آنها نخواهند در برخی چیزها با بقیه شریک شوند. این درباره خود تو هم هست. پس در این زمان ها می توانیم به بقیه نه بگویم و نه گفتن آنها را هم قبول کنیم.

۵. تعارف کردن: سهمی شدن خوراکی اگر با تشویق والدین همراه باشد باعث احساس لذت

شاید بتوان گفت از زمان آدم ابوالبشر (ع) تا امروز ریشه اکثر اتفاقات مهم جهان، دعوای خواهر برادری بوده. جایی می خواندم ریشه دعوای هابیل و قابیل، خواهرشان بوده یا این که اصلاً ماری کوری وقتی با برادرش دعوای دانشمند بزرگی شد یا این که پروین اعصامی هم که با برادرش دعوای کرده شاعری اش را مبدیون همین دعوای هاست. این حرف ها و حرف های شبیه این فقط گوشه ای از توجیهات مسخره یا مستدلی بود که حکیم آن روز برای تسلی دل پدر و مادرها می گفت؛ پدر و مادرهایی که عصر آن روز آمده بودند تا در اعتراض به دعوای بچه های شان از حکیم راهکار بگیرند؛ والبتنه حکیم هم واقعا داشت بدون هیچ اشتباه تاریخی به ایشان راهنمایی می داد. حکیم در یکی از پاسخ های معروف خود در جواب این پرسش که چرا اختلاف میان خواهر و برادر مضر است، گفت: بعد از دو جنگ جهانی که انصافاً ضربه جبران ناپذیری بر تارک بشریت زدند، شاید بتوان دعوای خواهر برادری را در رتبه سوم از لیست خطرناک ترین دعوای تاریخ قرار داد؛ دعوایی مخرب که معمولاً منجر به بیماری اعصاب مادر و استیصال پدر می شود و برای طرفین دعوای نیز آثاری جز قطع عضو، زوال عقل و اسکیزوفرنی حاد به دنبال نخواهد داشت.

البته در کنار این نگاه رادیکال و خشن که معتقد است دعوای خواهر و برادری از بمب های هیروشیما و ناکازاکی خطرناک تر است عده دیگری می گویند دعوای یکی از مزایای داشتن خواهر و برادر است. کودکی که خواهر و برادر دارد، قبل از ورود به جامعه، خواهر یا برادری دارد که با او اختلاف سلیقه و اختلاف نظر دارد. چنین کودکی فهمیده در بعضی مواقع باید از چیزی که دوست دارد بگذرد یا حتی آن را با دیگری شریک شود. پس باید سعی کند مشکلاتش را حل نماید. بهتر است والدین به فرزندان خود اجازه رؤیابویی با این مشکلات را بدهند.

با این وجود احساس می کنم وقتی قصد داریم هر دوی این نظرات را جمع کنیم به این نتیجه می رسیم که خواهر و برادر داشتن بد نیست اما لازم است مهارت هایی را در این خصوص یاد بگیریم. این مهارت ها را جناب حکیم موبه مو برای ما توضیح

شناسنامه (برگ سبز) هاج بک ریرا به رنگ سفید به شماره پلاک ۸۴-۱۲۷۲۳ به شماره موتور 153H0237232 و شماره شناسی NAAV1CHJERD675896 به نام فضیله مداح رودان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری جک J5HFC7180BTF مدل ۱۳۹۵ به رنگ مشکی متالیک شماره انتظامی ایران ۶۷ ۴۱۸ ط ۵۸ شماره موتور 4G93DDAF028566 شماره شناسی NAKNG7246GB132240 به مالکیت رسول دهقانی وینچه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶ رنگ قرمز متالیک مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۶۹ ب ۵۶۸ ایران ۵۰ به شماره موتور 15090034653 و شماره شناسی NAAP13FE7BJ423731 به نام سید شهاب الدین خاکسروش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

به اطلاع می رساند اینجانب محمد مسکینی خشت مسجدی با کد ملی ۲۵۹۶۸۴۷۳۲ به تاریخ تولد ۱۳۴۸/۰۱/۰۲ هیچگونه سمتی در شرکت آریا تشک پیشرو به شماره ثبت ۵۵۱۳۵۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۸۲۸۱۸۸ ندارم.

کلیه مدارک شامل کارت و سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری هاج بک ام. وی. ام. ۲۲ مدل ۱۴۰۲ به رنگ مشکی شماره انتظامی ایران ۵۰-۴۲۲ ی ۷۹ شماره موتور MVME4G15CBMR021555 شماره شناسی NATFBAAC4P1015907 به مالکیت مجید یزدانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت موتور، موتورسیکلت هوندا کلیک ۱۵۰ رنگ آبی مدل ۱۴۰۰ با شماره موتور 0150NEU001880 و شماره شناسی NEUFKCGELMSH02372 و شماره پلاک ۶۸۹۱۵-۱۳۶ به نام مجید شیر خدایی مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

### اطلاعیه دعوت مجمع عمومی

سومین مجمع عمومی انجمن صنفی کارگری و کارگران ساختمانی شهرستان نجف آباد در تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۲ روز جمعه ساعت ۸ صبح الی ۱۲ ظهر برگزار می گردد.

آدرس: نجف آباد، خیابان امام غربی، مجتمع چهارباغ، شماره تماس ۰۹۲۳۸۸۷۴۸۹

(دستورات جلسه): ۱- انتخابات اعضای هیات مدیره ۲- انتخابات بازرسین انجمن ۳- تغییرات لازم در اساسنامه انجمن و تصویب آن با حضور اعضا

عزیزان واجد شرایط مدارک خود را حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۵ به دفتر صف تحویل دهند.

هزینه ورودی جهت عضویت ۳۵۰،۰۰۰ تومان تمدید ماهیانه ۲۰۰،۰۰۰ تومان و هزینه بازرسی جهت تأییدیه ۱۰۰،۰۰۰ تومان می باشد.

شرایط کاندیداها: ۱- داشتن تابعیت ایرانی اسلامی ۲- نداشتن هیچگونه سابقه کیفری ۳- دارا بودن حداقل ۲۰ سال سابقه در کار ساختمانی ۴- نداشتن هیچگونه پروانه کسب اعم از ساختمانی ۵- دارای عضویت انجمن حداقل به مدت ۵ سال باشد. ۶- دارا بودن کتبی حرفه ای درجه ۱ استاد کاری ۷- فرد شرکت کننده به عنوان مجری کار شناخته می شود نه پیمانکار

### آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم

#### شرکت نور آفرینان جلفا ارس

شماره ثبت: ۱۳۸ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۲۰۸۵۸۹

نظر به اینکه مجمع عمومی فوق العاده ۱۴۰۴/۰۱/۱۶ نوبت اول تشکیل و به دلیل عدم حصول حد نصاب قانونی از کلیه سهامداران شرکت دعوت می شود تا در جلسه ای که روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۵ ساعت ۱۶ به نشانی: جلفا، خیابان امام صادق (ع)، حسینیه اباعبدالله حسین (ع) تشکیل می گردد، با در دست داشتن کارت ملی و برگه سهام حضور بهم رسانند.

دستور جلسه: ۱- گزارش هیات مدیره ۲- مجتمع نور آفرینان

هیات مدیره نور آفرینان جلفا ارس